

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۰۴ اگست ۲۰۲۱

فریده نوری

دست دراز نمودن چین به سوی طالبان

منبع: اخبار یکشنبه (Le Journal du Dimanche)

خبرنگار: سبستین بلزیک (Sébastien Le Belzic)

تاریخ: اول اگست ۲۰۲۱

(correspondant Pékin – Chine)

مترجم: فریده نوری

توصیه طلبی: در حالیکه امریکا کشور را ترک می کند،

پکن به افغانستان چشم طمع دارد

پیمان: اتحاد بین بی دین ها و بنیادگرایان مذهبی

به هدف امن ساختن سرمایه گذاری های اقتصادی



عبدالغنی برادر، و وانگ یی (Wang Yi) وزیر امور خارجه چین

یک سرحد هفتاد و شش کیلومتری بین چین و افغانستان به ارتفاع ۴۹۲۳ متر، در بلندی های پامیر، موجود است که به صورت دوامدار توسط اردوی چینایی مراقبت می شود. دهلیز واخان چین را از منطقه تحت کنترل طالبان جدا می سازد.

یک مجاورت قابل انفجار. لاکن در یک قسمت دیگر، در کشور چین و در پکن، ملا عبدالغنی برادر شخص نمره دوم طالبان همراه با هیئت همراهش، از جانب وزیر خارجه چین وانگ یی با احترام خاص پذیرایی می شوند.

به روز چهارشنبه گذشته، ملا برادر با دستار سیاه و پیراهن و تنبان سفید (لباس سنتی افغان ها)، و وانگ یی با دریشی تاریک در مقابل کمره، راست و بدون لبخند بعد از بحث رویارویی برای عکس گرفتن ایستاده اند.

با ترک نمودن امریکا بعد از بیست سال جنگ افغانستان، چین یک قدم پیش گذاشت.

برای پکن، موضوع این نیست که در درگیری های افغانستان داخل شود، اما می خواهد که از ثبات در سرحدات خود مطمئن باشد. «فَن هونگده (Fan Hongda) متخصص شرق میانه در پوهنتون مطالعات بین المللی در شانگهای (Shanghai) خاطر نشان می کند که خطر بی ثباتی دایمی باعث تشویش چین است و دانستن این که، کی در افغانستان قدرت را به دست دارد، برایش مهم است. اگر افغانستان در یک درگیری داخلی خشونت بار داخل شود باعث قوی شدن بنیادگرایان می گردد.

در مقابل خطر هرج و مرج و اغتشاش، پکن یک گفتگوی محتاطانه را در سپتامبر سال ۲۰۱۹ میلادی با طالبان باز نمود.

امروز در دروازه های کابل، ملا ها که کنترل هشتاد و پنج فیصد قلمرو افغانستان را تأیید می کنند که در اختیار دارند، تبدیل به مخاطبان اجتناب ناپذیر رژیم کمونیستی بی دین چین گردیده اند. **پیمان یا موافقه روشن است:** چین آماده است که رژیم طالبان را حمایت کند، اما در مقابل توقع و انتظار دارد که طالبان رابطه شان را با تحریک اسلامیست ترکستان شرقی که یک تشکیل جدایی طلبان ایغور است که با القاعده ارتباط دارند، قطع نمایند. این تحریک مسؤلیت چندین حمله در چین را به دوش گرفته و خواهان مستقر ساختن خلافت در منطقه سین یانگ می باشند.

«یک پیروزی سیاسی برای طالبان»:

طالبان رسماً «چین را مطمئن ساختند که خاک افغانستان هیچ وقت بر علیه امنیت هیچ کشوری استعمال نخواهد شد» و مسؤلین دیپلوماسی چینیایی «تعهد نمودند که در امور افغانستان دخالت نمی کنند، بر عکس برای حل مشکلات و آوردن صلح کمک می کنند»، قرار گفته اندرو سِمال (Andrew Small) نویسنده کتاب مسیر چین - پاکستان (The China- Pakistan Axis).

« این یک پیروزی سیاسی برای طالبان به شمار می رود ».

با وجودی که انگیزه مذهبی طالبان از دید چینیایی ها عمیقاً مزاحمت کننده است، اما چین با آن هم می خواهد با طالبان گفتگو نموده و با آنها به توافق برسد».

برای پکن سوال بسیار مهم دیگر این است که سرمایه گذاری اقتصادی خود را در منطقه تضمین نماید.

در داخل افغانستان گنج فراوان است: معدن آهن، مس، کوبالت، پتاسیم، طلا، نقره، المونیم، لیتیوم و نیوبیوم (یک فلز نرم است) و همچنان خاک های نادر و کمیاب.

ده سال قبل در یک راپور، امریکایی ها ارزش معادن افغانستان را به هزار میلیارد دالر تخمین نموده بودند. و این چیز است که اشتهای آنها را تحریک می نماید.

در سال ۲۰۰۷ میلادی گروه متالورژیکی یا فلز شناسی چینی برای بهره برداری یک معدن مس به نام مس عینک در سی، چهل کیلو متری جنوب شرق کابل در حدود ۳۴ میلیارد دالر پرداختند. مس عینک دومین ذخیره جهان است، اما موقعیت آن در یک منطقه می باشد که در آن جا یک شهرک بودایی قرن سوم میلادی در زیر خاک قرار دارد.

به دلایل مختلف امنیتی و یا قراردادی ها، چین تا به حال مس را استخراج ننموده است. اما دولت کابل، پکن را متهم به مذاکره و معامله دادن پول (رشوه دادن) برای امنیت منطقه با طالبان می نماید. خشمگین از این معاملات چین، دولت افغانستان می خواهد قرارداد با چین را لغو نماید.

«سرک های جدید ابریشم»

در ماه دسامبر دولت کابل موفق گردید که شبکه جاسوسی چینیایی ها را که برای شبکه حقانی کمک می کرد، تخریب نماید. شبکه حقانی یک تشکیل تروریستی می باشد که وابسته به طالبان اند، و مسلمانان ایغور را که به افغانستان پناه می آوردند به دام می انداختند. دولت افغانستان در مورد شبکه جاسوسی چین، بیان می دارد که این شبکه از ده سال به این طرف در افغانستان فعال است، و علاوه می نماید که «که این دو رویی و تزویر چین بسیار تکان دهنده و اهانت آمیز می باشد». جهت انتقام، کابل قرارداد معادن پترول و گاز را با پکن قطع نمود.

لاکن چین بالای ملا های افراطی برای فعال نمودن دوباره قرارداد ها حساب می نماید. افغانستان برای چینیایی ها شامل پروژه های بزرگ زیربنا ها مانند «راه های جدید ابریشم» می باشد، اما نسبت به عدم موجودیت امنیت سرمایه گذاری چینیایی ها تا به حال بسیار ناچیز و کم اهمیت است، تنها چهار ونیم میلیون دالر، قرار اظهات وزیر تجارت چین در سال ۲۰۲۰ باقی مانده است.

تیری کلنر (Thierry Kellner) یک محقق (associé au Brussels Institute of contemporary China Studies) بیان می‌دارد «به منظور به دست آوردن همکاری با طالبان، چین برای آن‌ها پیشنهاد ساختن سرک‌ها را در قلمروی که تحت تصرف شان است نموده است و همچنان بعضی پروژه‌های حرارتی برای تولید انرژی».

«هر دو طرف، برنده - برنده»، چین قرارداد های سرسام آور را با پرداخت مواد اولیه به دست می‌آورد و طالبان دارای زیربنا های مدرن که در کشور موجود نیست، می‌شوند. این نوع ائتلاف نو نیست، زمانی که طالبان در سال ۱۹۹۶ به قدرت رسیدند و اعلان خلافت اسلامی نمودند. چین از جمله ممالک غیر اسلامی، یگانه مملکتی بود که یک رابطه تنگاتنگ با آن رژیم برقرار کرد. طور مثال پرواز ها را بین اورومچی پایتخت سین کیانگ و کابل برقرار ساخت.

روزی که دو طیاره مراکز تجارتی نیویارک را به تاریخ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م هدف قرار دادند، مسئولین چینیایی قرارداد همکاری اقتصادی و تخنیکی را با طالبان امضاء می نمودند.

قرار بیانات برهمه شلانی (Brahma Chellaney) «در وقت حضور امریکا در افغانستان، پکن مخفیانه ارتباطات با رهبران طالبان که در پاکستان بودند، برقرار نموده بود». وی علاوه می‌کند: «خارج شدن امریکا راه را برای چین فرصت طلب باز کرد که قادر به دست اندازی ستراتیژیکی در افغانستان، به صوب پاکستان، ایران و آسیای مرکزی است».